درس ۳

«جهان علی و معلولی»

انسان از «کودکی» روحیه پرسشگری دارد و به دنبال «چیستی و چرایی» اشیاست.

انسان از ابتدای ظهور دنبال یافتن علل پدیده ها بوده است

رابطه علیت

۱- یکی از کهن ترین مسائل فلسفی است

۲- «شاید» نخستین مسئله ای است که فکر بشر را به خود متوجه کرده است

سوالات

۱-علت و معلول چیست؟ با مثال بنویسید.

پاسخ: علت: چیزی است که وجود معلول متوقف بر آن است و تا آن نباشد معلول هم پدید نمی آید یعنی در وجود خود به آن نیازمند است

معلول: چیزی است که وجودش را از چیز دیگر- که همان علت است می گیرد؛ یعنی در وجود خود نیازمند دیگری است

مثال : «آب در ۱۰۰درجه حرارت می جوشد» حرارت ۱۰۰درجه←علت جوشیدن آب ←معلول

در این مثال جوشیدن آب نیازمند حرارت است و تا ۱۰۰ درجه حرارت نباشد آب به جوش نمی آیدو وجودش وابسته به حرارت است و حرارت نیز علت و به وجود آورنده آب جوش است.

۲-چرا رابطه علیت یک رابطه وجودی است؟

پاسخ:

زیرا یک طرف که همان علت باشد، به طرف دیگر (معلول)، وجود می دهد

به عبارت دیگر:علت نباشد معلول به وجود نمی آید. یا یکی وجودش وابسته به دیگری است.

۳- کدام سوال بازتاب و نشانه رابطه علیت است؟

پاسخ: سوال«چرا»

نکته:

تفاوت رابطه وجودی(علیت) با روابط دیگر آن است که در رابطه علیت یک طرف(علت) به طرف دگیر(معلول) ، وجود می دهد اما در سایر روابط، رابطه بعد از وجود دو طرف شکل می گیرد و هیچکدام در وجود دیگری نقشی ندارد.

مثلا در رابطه استاد و شاگرد که رابطه تعلیم است، هیچ کدام در وجود و هستی دیگری نقشی نداشته اند و به اصطلاح وجود دهنده نبوده اند.

در مثال های زیر مشخص کنید کدام روابط وجودی است و کدام روابط وجودی نیست.(علیت و غیر علیت)

۱- رابطه زمین و اشیای روی آن

۲- رابطه حرارت و انبساط فلزات

۳- رابطه کار فرما و کارگر

٤- رابطه اجزای یک ساعت

پاسخ: ۱- رابطه غیر وجودی ۲- رابطه وجودی یا علیت

۳- رابطه غیر وجودی ٤- رابطه غیر وجودی

دیدگاه های مختلف در باره«چگونگی درک رابطه علیت»

در واقع این دیدگاه ها در پاسخ به این سوالات مطرح شده است:

۱- آیا چیزی به نام رابطه علیت وجود دارد؟

۲- آیا درک رابطه علیت مادر زادی است یا اکتسابی؟

۲- رابطه علیت با چه ابزاری درک می شود؟(عقل- حس...)

در این درس دیدگاه فیلسوفان اروپایی و فلاسفه مسلمان مطرح شده است.

الف- دیدگاه فیلسوفان اروپایی:

فیلسوفان اروپایی با توجه به اینکه ۱-عقل گرا باشند یا ۲- حس گرا ویا ۳- هم عقل را پذیرفته باشند وهم حس و اینکه چه ابزاری را در شناخت معتبر بدانند، در باره «اصل علیت» دیدگاه های متفاوتی دارند.

۱- فلاسفه عقل گرا: <u>دکارت</u> :

سوال؟ به نظر دکارت اصل علیت چگونه درک می شود؟

دکارت معتقد بود که اصل علیت:

الف- بدون دخالت تجربه به دست می آید ب- جز مفاهیم اولیه و بدیهی است(نیاز به دلیل ندارد)

ج- انسان از آن <u>درک فطری</u> دارد

۲-تجربه گرایان: بررسی نظر (آمپریست ها)- از فیلسوفان تجربه گرا بررسی نظر دیوید هیوم

سوال؟

نظر آمپریست ها در باره اصل علیت چیست؟

پاسخ:

آمپریست ها چون هر چیزیی را بر اساس حس و تجربه تحلیل می کنند معتقدند که انسان از طریق حس«به توالی پدیده ها»پی می برد و رابطه علیت را بنا می نهد.

توضیح: توالی یعنی در پی یکدیگر آمدن ؛ یعنی وقتی ما می بینیم(حس) یک پدیده به دنبال پدیده دیگر اتفاق می افتد از یکی برای دیگری تعبیر به علت می کنیم.

مثلا : چون انسان دیده که همیشه با آمدن خورشید زمین روشن شده و با ناپدید شدن آن تاریک،متوجه رابطه ای میان این دو پدیده شده و دانسته تا خورشید نیاید زمین روشن نمی شود و اسم این رابطه را «علیت» گذاشته است.

<u>توجه و سوال</u>

تفاوت دیدگاه دکارت و آمپریست ها در رابطه با منشا درک رابطه علیت چیست؟

پاسخ:

به نظر دکارت منشا درک علیت درونی و فطری است اما آمپریست ها منشا درک را در عالم خارج و توالی پدیده ها می جویند.

دیدگاه هیوم (تجربه گرا) در باره اصل علیت:

هیوم که اساساً تجربه گراست نظر خاصی در این زمینه دارد :

سوال؟

دیدگاه هیوم در باره اصل علیت چیست؟

الف- او «امکان معرفت و درک علیت» را از طریق استدلال عقلی و بدون تجربه را رد می کند

ب- اما معتقد است اصل علیت از طریق حس و تجربه هم ممکن نیست زیرا فراتر از حس است و محسوس نیست تا با حس درک شود

ج- او منشا اعتقاد به علیت را یک «عادت ذهنی» یعنی« امر روانی ناشی از توالی پدیده ها »می داند

سوال این سخن هیوم را توضیح دهید« منشا اعتقاد به علیت یک امر روانی ناشی از توالی پدیده هاست.»

پاسخ: منظور هیوم این است چون همواره ما یک پدیده را به دنبال پدیده دیگر مشاهده کرده ایم، ذهن ما عادت کرده که یکی را علت بنامد و دیگری را معلول در صورتی که رابطه ای جز به دنبال هم آمدن دو پدیده«توالی» نیست.

مثلاً وقتی باد می آید، می بینیم که شاخه درخت حرکت می کند، و چون این دو پدیده همواره به دنبال یکدیگر می آیند ، ذهن عادت کرده که از آن تعبیر به علیت کند.

نکته قابل دقت در سوالات تست : هیوم مستقیماً اصل علیت را انکار نکرده بلکه می گوید فراتر از حس است و با حس قابل شناخت نیست و چون معیار شناخت را حس می داند ، اصل علیت را که درک آن از طریق حس ممکن نیست به عنوان یک اصل«عقلی» نمی پذیرد.چون عقل گرا نیست

سوال:

تفاوت دیدگاه آمپریست ها با هیوم در رابطه با درک علیت چیست؟

پاسخ: آمپریست معتقدند انسان می تواند با درک توالی پدیده ها(پشت سر هم آمدن) از راه حس ، «اصل علیت» را بنا نهد؛ اما هیوم معتقد است توالی پدیده یک امر روانی است که ذهن را عادت می دهد از آن برداشت علیت کند در صورتی که چیزی جز توالی و پشت سر هم آمدن دو پدیده نیست. در واقع آمپریست ها معتقدند از طریق «توالی» می توان اصل علیت را بنا نهاد اما هیوم معتقد است «توالی» ما را به اصل علیت نمی رساند.

۳- هم عقل و هم حس <u>(کانت)</u>:

کانت تحت تأثیر چه کسی در صدد برآمد تا جایگاه اصل علیت را حفظ کند و دلیل او برای این تلاش چه بود؟

پاسخ: کانت وقتی نظر هیوم در رابطه با اصل علیت را مشاهده کرد سخت تحت تأثیر قرار گرفت و تلاش کرد جایگاه اصل علیت را حفظ کندزیرا او می دانست:

الف- دانش بشر متکی به این اصل است

ب- دانشمندان علوم طبیعی با پذیرش ضمنی این اصل ، در جست و جوی علل حوادث بر می آیند

سوال؟

دیگاه کانت در رابطه با منشا درک علیت چیست؟

پاسخ: کانت بعد از تأملات فراوان به این نتیجه می رسد که «مفهوم علیت» و «رابطه علت و معلول» جزء مفاهیم«پایه ای ذهن» است و خودش در ذهن بوده و از جایی کسب نشده است ؛ یعنی «ساختار ذهن بشر» به گونه ای است که برخی مفاهیم ، از جمله مفهوم علت و معلول را نزد خود دارد . به عبارت دیگر ، دیدن اشیا به صورت علت و معلول ، امری ذهنی (سوبژکتیو) است.

توضیح: مثلا: هنگامی که انسان می بیند خورشید طلوع می کندو زمین روشن می شود، در این پدیده طلوع خورشید در قالب «علت» قرار می گیرد و روشن شدن زمین در قالب «معلول»، و در این هنگام رابطه علیت بین آن دو درک می شود

توجه:

سوبژکتیو مربوط به امر ذهنی و ابژکتیو مربوط به امر عینی است

سوال؟

تفاوت دیدگاه کانت با آمپریست ها در رابطه با اصل علیت چیست؟

پاسخ:از نظر آمپریست ها علیت امری عینی و ابژکتیو است که متکی به حس است و کانت آن را امری سوبژکتیو و مربوط به ذهن می داند.

ب- دیدگاه فیلسوفان مسلمان در رابطه با منشا درک علیت:

سوال ؟

دیدگاه فیلسوفان مسلمان در باره اصل علیت چیست؟ چرا؟

پاسخ: فلاسفه مسلمان می گویند اصل علیت یک اصل و قاعده «عقلی» است و از تجربه به دست نمی آید ؛ زیراهر داده تجربی خود مبتنی بر این قاعده است

توضیح: یعنی این اصل از مهم ترین اصول و مبانی فلسفی علوم تجربی است .(برای اینکه داده های تجربی به شکل قانون علمی مطرح شوند تا بتوان گفت« همیشه» این پدیده به دنبال پدیده دیگر شکل می گیرد.

سوال؟

دیدگاه فلاسفه مسلمان در باره منشا شکل گیری و درک رابطه علیت چیست؟

پاسخ: این فلاسفه منشا اعتقاد به علیت را، اصل « امتناع اجتماع نقیضین» می دانند.

آنان می گویند: همین که ذهن انسان شکل گرفت و متوجه اصل« امتناع اجتماع نقیضین» شد، در می یابد که پدیده ها خود به خود به وجود نمی آیند؛ زیرا«این که چیزی خودش به خودش وجود بدهد، به معنای آن است که ، چیزی که نیست، باشدو این همان اجتماع نقیضین است که محال است.

توضیح بیشتر:

فلاسفه مسلمان می گویند: اگر چیزی نباشد، برای هست شدن باید فاعل یا علتی به او هستی دهد و خودش، بدون علت و خود به خود نمی تواند به وجود بیاید. یعنی چیزی که نیست بدون هیچ علتی هست شود که این جمع دو نقیض(هم نیست هم هست) است و محال می باشد پس برای موجود شدن چیزی حتما نیاز به علت است.

مثلا شما قصد دارید آبی را به نقطه جوش برسانید اما بدون حرارت، ناگهان آب به جوش آید که این محال است.

سوال ؟

آیا ابن سینا دیدگاه هیوم در باره علیت(امر روانی ناشی از عادت ذهنی در توالی پدیده ها) را می پذیرد؟

پاسخ:

ابن سینا می گوید: آری درک رابطه علیت از طریق تجربه امکان پذیر نیست؛ زیرا ما از طریق حس و تجربه فقط به دنبال هم آمدن برخی پدیده ها را می یابیم اما به دنبال هم آمدن دو حادثه به معنای «علیت» نیست . لذا طبیعی است که کسی که صرفاً تجربه گرا است ، نمی تواند از اصل علیت تبیین قانع کننده ای داشته باشد.

نکته : ابن سینا اصل علیت را اصلی عقلانی می داند

تفاوت دیدگاه فلاسفه مسلمان با تجربه گرایان در رابطه شناخت «حوادث طبیعی» که محل وقوع آن عالم طبیعت است ، این است که «بعد از درک علیت»، برای اینکه علت حوادث طبیعی را بدانیم، باید از حس و تجربه خود استفاده کنیم

کشف علل« طبیعی» (عالم ماده) از راه حس و تجربه صورت می گیرد نه همه امور

خلاصه مقایسه دیدگاه ها در رابطه با اصل علیت:

الف- از فلاسفه اروپایی سه گروه ۱- عقل گرا (دکارت غیر حسی و تجربی و امری فطری می داند)

۲- حس گرا (آمپریست ها از طریق حس پی به توالی و پشت سر هم آمدن پدیده ها و از توالی به درک رابطه علیت می رسیم)

(هیوم حس گرا ، علیت فرا حسی است و از طریق توالی به علیت نمی رسیم و منشا اعتقاد به علیت امری روانی و ناشی از عادت ذهنی است.

۳- هم معتقد به حس و هم عقل(کانت اصل علیت جز مفاهیمی ذهنی است)

٤- فیلسوفان مسلمان اصلی عقلی است و منشا درک آن ، درک اصل (امتناع اجتماع نقیضین است)

<u>سنخیت علت و معلول</u>

پیش از تعریف این اصل به مثال توچه کنید:

شما برای تهیه آب جوش سراغ گاز و برای تهیه آب سرد سراغ یخچال می روید؛ آیا شده استکه بگویید می خواهم از یخچال آب جوش بردارم ؟

آیا شده است که بگوید می خواهم برای باسواد شدن ورزش کنم و برای یافتن قدرت جسمانی درس بخوانم؟

پاسخ حتما منفی است و شما معتقدید برای هر چیزی باید سراغ «علت خاص و ویژه» آن رفت نه هر علتی ؛

یعنی هر علتی معلول خاص خود را به دنبال دارد و هر معلولی از علت خاص خود به وجود می آید نه هر علتی ؛ به این اصل، «اصل سنخیت علت و معلول » می گویند که ما پس از پذیرش اصل علیت (هر حادثه علتی دارد)، به اصل سنخیت اذعان می کنیم.

<u>سوالات این بخش</u>

۱- اصل سنخیت چیست توضیح دهید؟

پاسخ: انسان علاوه بر اینکه درک می کند هر حادثه ای علتی می خواهد، در ک می کند که هر معلولی از هر علتی پدید نمی آید بلکه هر معلولی از علتی خاص صادر می شودو پدید می آید. فیلسوفان این اصل را «سنخیت میان علت و معلول» می نامند.

۲- به نظر فیلسوفان، مردم مطابق کدام اصل«رفتار» می کنند؟

پاسخ: فیلسوفان می گویند همه مردم طبق اصل «سنخیت علت و معلول رفتار می کنند؛ مثلاً برای باسواد شدن درس می خوانند و برای سلامتی ورزش می کنند و برای استحکام ساختمان از آهن و بتن استفاده می کنند.

۳- آبا فیلسوفان این اصل را عقلی می دانند یا تجربی؟

پاسخ:فیلسوفان- به جز فیلسوفان تجربه گرا- می گویند که این اصل نیز مانند خود اصل«علیت» یک اصل عقلی است.(از طریق عقل درک می شود).

٤- یکی از نتایج اصل سنخیت چیست و لازمه آن چیست؟

پاسخ: یکی از نتایج اصل سنخیت آن است که انسان از هر چیزی انتظار «انتظار آثار متناسب با خودش» را دارد؛ به همین سبب می کوشدویژگی های هر شی را بشناسد و به تفاوت های آن با اشیا دیگر پی ببردتا بهتر بتواند آثار ویژه آن را شناسایی کند.

٥- برای اینکه بدانیم هر علتی چه معلول خاصی دارد، از کدام ابزار شناخت می توانیم کمک بگیریم؟

پاسخ: می توانیم از تجربه کمک بگیریم و از طرق مختلف تجربی آثار و معلول های هر علتی را شناسایی کنیم.

٦- با پذیرش کدام اصل نظم دقیق جهان پشتوانه عقلی پیدا می کند؟

پاسخ: اصل سنخیت علت و معلول

٥- اهمیت اصل سنخیت برای دانشمندان علوم طبیعی چیست؟

پاسخ:

دانشمندان با تکیه بر همین اصل، تحقیقات علمی خود را پیگیری می کنند؛ آنان وقتی با پدیده ای مواجه می شوند و می خواهند علت آن را بیابند، به سراغ عواملی می روند که تناسب بیشتری با آن پدیده داردو علت آن پدیده را در میان آن عوامل جستجو می کنند تا به «علت ویژه» دست یابند.

<u>اصل وجوب علی و معلولی</u>

این اصل را با یک مثال توضیح دهیم.

شما قصد دارید در باغچه منزل گل بکارید؛ برای پیدایش گل نیاز به عوامل مختلفی است از جمله(آب- خاک- آفتاب- بذر مناسب و مراقبت) اگر یکی از این عوامل نباشد ، گل به وجود نمی آید.

توجه : همه عوامل با همه علت تامه و هر کدام به تنهایی که لازم هستند اما کافی نیستند، علت ناقصه است.

اما اگر همه عوامل باشد و گل نروید شما می گوئید:«باید تا به حال می روئید»؛ این «باید» یعنی« ضروری و واجب» است؛ یعنی اگر علت تامه یک چیز حاضرشود واجب و ضروری است که معلول هم به وجود آید. طبق اصل (وجوب علّیو معلولی).

یاد آوری مطالب قبل:

آموختیم که اشیا عالم خارج از ذهن، « ممکن الوجود بالذلت » هستند یعنی نسبت به بودن و یا نبودن ، حالت تساوی دارند و برای هست شدن نیاز به علت

سوال ؟

به نظر ابن سینا چگونه وجود برای «ممکن الوجود بالذات» ضروری می شود؟

پاسخ: ابن سینا می گفت آنچه به معلول ضرورت وجود می دهد، «علت» است؛ معلول بدون علت امکان ذاتی دارد ؛ یعنی ذات و ماهیت آن نسبت به هستی و نیستی حالت تساوی دارد و با آمدن علت وجود معلول« ضرورت » می یابد و موجود میشود.

به عبارت دیگر: معلول که در ذات خود ممکن الوجود است و فقط امکان موجود شدن را داراست، توسط علت(غیر) «واجب الوجود » می شود و وجود می یابد، چنین واجب الوجودی را ؛«واجب الوجود بالغیر» می نامند.

سوال ؟

حالت یک معلول که ذاتاً ممکن الوجود است به چه چیزی تشبیه می شود؟

پاسخ: می توان به ترازویی تشبیه کرد که دو کفه آن مساوی است و د راینجا یک عامل بیرونی(علت) لازم است که یکی از کفه ها از دیگری سنگین تر شود.

عقلا محال است که یک کفه بدون هیچ عامل بیرونی از دیگر ی سنگین تر شود

«این عامل بیرونی در باره شی ممکن الوجود، همان علت است.»

<u>خلاصه دیدگاه ها</u>

تجربه گرایان←علیت حاصل توالی پدیده هاست

کانت←علیت جز ساختار ذهن است

ابن سینا و پیروان او←چون انسان از جهت ذاتی ممکن است نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او←چون انسان از جهت وجودی فقیر است نیاز به علت دارد

ملا صدرا و پیروان او←چون انسان وجودی وابسته دارد، نیاز به علت دارد

تجربه گرایان←اصل علیت یک اصل تجربی است

عقل گرایان و فیلسوفان مسلمان←اصل علیت یک اصل کاملاً عقلی است

<u>درس ۳</u>

در ارتباط با رابطه «معلم با دانش آموز» کدام گزینه درست است؟

۱- رابطه فرع بر وجود دو طرف است ۲- رابطه قائم بر هر دو طرف است

۳- رابطه ای در وجود آن دو برقرار است ٤- رابطه از سنخ روابط علّی و معلولی است

۲- کدام فیلسوف از فطری بودن اصل علیت در عقل انسان صحبت می کند؟

۱- دکارت ۲- ابن سینا ۳- هیوم ٤- ملاصدرا

۳- دیوید هیوم در باره علّیت می گوید: آنچه ما از طریق حس و تجربه ادراک می کنیم، .....است.

۱- عادت روانی ۲- توالی پدیده ها ۳- رابطه علیت ٤- تداعی ذهنی

٤- از نظر کانت درک اشیا به صورت علت و معلول .....است.

۱- عادات ذهنی ۲- امری عینی ۳- امری ذهنی ٤- تداعی ذهنی

٥-منظور از ابژکتیو و سوبژکتیو، به ترتیب چیست؟

۱- ذهنی- عینی ۲- علت- معلول ۳- علّی- تجربی ٤- عینی- ذهنی

٦- جمله «علل معین را معلول های معینی» است، بیانگر چه اصلی است؟

۱- امتناع ترجیح بلا مرجح ۲- قاعده علّیت

۳- سنخیت علت و معلول ٤- وجوب علّی و معلولی

۷-از نظر فیلسوفان مسلمان اصل« امتناع ترجیح بلا مرجح» از اصل.....به دست می آید.

۱- امتناع اجتماع و ارتفاع دو نقیض ۲- سنخیت علت و معلول

۳- مغایرت وجود و ماهیت ٤- علت و معلول

۸- کدام گزینه دیدگاه تجربه گرایان در باره اصل علیت را نشان می دهد؟

۱- علیت جز ساختار ذهن است ۲- علیت حاصل توالی پدیده هاست

۳- اصل علیت اصلی عقلانی است ٤- علیت امری سوبژکتیو است

۹- تفاوت رابطه علیت با رابطه مانند کارگر و کارفرما چیست؟

۱- وجود دو طرف رابطه در علیت، پیش از وجود رابطه است

۲- وجود رابطه در علیت، پیش از دو طرف رابطه است

۳- در علیت وجود رابطه با وجود دو طرف رابطه هم زمان است

٤- در علیت با از بین رفتن رابطه دو طرف همچنان موجودند

۱۰- کدام گزینه رابطه علیت محسوب نمی شود؟

۱- تمام هستی و بخشی از واقعیت معلول با علّیت تحقق می یابد

۲- مطلقاً در هیچ رابطه دیگری وجود داد و ستد نمی شود

۳-اگر علت نباشد معلول هم نمی تواند وجود داشته باشد

٤- این رابطه نیازمندی معلول به علت در هستی خود است

۱۱-کانت اصل علیت را امری.....می دانست، زیرا می گفت.....

۱- عینی- ساختار ذهن ما به گونه ای است علیت را نزد خود دارد

۲- ذهنی- از طریق تجربه است که مفهوم علت را در ذهن می سازیم

۳- ذهنی- ساختار ذهن ما به گونه ای است که علیت را نزد خود دارد

٤- عینی- از طریق تجربه است که مفهوم علیت را در ذهن می سازیم

۱۲- کدام گزینه دیدگاه فیلسوفان مسلمان را در باره اصل علیت به درستی نشان می دهد؟

۱- علیت چیزی نیست که بتوان آن را در پدیده های تجربی شناسایی کرد

۲- به هیچ وجه نمی توان اصل علیت را از طریق شناخت تجربی به دست آورد

۳- علیت قاعده ای عقلی است که از طریق توالی پدیده ها شناخته می شود

٤- اصل علیت قاعده ای فطری است که توسط عقل و تجربه شناخته می شود

۱۳- این که فیلسوفان مسلمان با استفاده از اصل «امتناع ترجیح بلا مرجح » اثبات می کنند که هر حادثه نیازمند علت است، بیانگر چیست؟

۱- پذیرش قاعده سنخیت علت و معلول توسط آن ها

۲- عقلانی بودن اصل علیت و عدم وابستگی به تجربه

۳- وجود روابط علی و معلولی میان قواعد فلسفی

٤- عدم کاربرد اصل علیت د رحیطه تجربه و حس

١٤-عبارت« انسان چون از نظر وجودی فقیر است، به علت نیاز دارد، با دیدگاه کدام فیلسوف تناسب بیشتری دارد؟

۱- ابن سینا ۲- بهمنیار ۳- میر داماد ٤-ملا صدرادرس۳

۱- گزینه یک ۲- گزینه یک ۳- گزینه دو ٤-گزینه سه ٥-گزینه چهار ٦- گزینه سه ۷- گزینه یک ۸- گزینه دو۹- گزینه سه ۱۰- گزینه یک ۱۱- گزینه سه ۱۲- گزینه دو ۱۳- گزینه چهار